

مقایسه تداعی های آشکار و ناآشکار بنیان های اخلاقی در دانش آموزان دارای رفتار قلدری: کاربرد آزمون تداعی ناآشکار (IAT)

سهیلا سادات رسول^{۱*}، سوسن علیزاده فرد^۲

۱. کارشناس ارشد، روان شناسی بالینی، دانشگاه پیام نور

۲. استادیار، گروه روان شناسی، دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۶

Comparison of Explicit and Implicit Associations of Moral Foundations in Students with Bullying Behavior: Application of Implicit Association Test (IAT)

S. Sadatrasoul^{*1}, S. Alizadehfard²

1. MS.c., Clinical Psychology, Payame Noor University

2. Assistant Professor, Educational Psychology, Payame Noor University

Received: 2020/11/05

Accepted: 2021/03/16

Abstract

The aim of this study was to compare the explicit and implicit associations of moral foundations in students with bullying behavior. The research method was descriptive and the statistical population included high school male students in first and second cycle in Tehran. 113 students from four high schools were selected by cluster available sampling method in the academic year of 1998-99. To collect data, the Illinois Bullying Questionnaire, the Moral Foundations Questionnaire (Hyatt and Graham, 2007), and the Implicit Association Test for moral foundations (IAT) were used. Data were analyzed by using multiple regression analysis. The results showed that explicit associations in the ethical dimensions of care/harm and authority/subversion; and implicit associations in the dimensions of fairness/cheating, loyalty/betrayal, and sanctity/degradation could predict bullying behavior with confidence ($p \geq 0.0001$). These results confirm the interaction of the explicit and implicit role of moral foundations in relation to bullying behavior and could be effective in better understanding and designing training, and psychological interventions.

Keywords

Explicit Associations, Implicit Associations, Moral Foundations, Bullying.

چکیده

هدف این پژوهش، مقایسه تداعی های آشکار و ناآشکار مربوط به بنیان های اخلاقی در دانش آموزان دارای رفتار قلدری بود. روش پژوهش از نوع توصیفی و جامعه آماری شامل دانش آموزان پسر دوره اول و دوم دبیرستان شهر تهران بود که تعداد ۱۱۳ نفر از چهار دبیرستان به روش نمونه گیری خوشه ای در دسترس در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه قلدری ایلی نویز، پرسش نامه بنیان های اخلاقی (هایت و گراهام، ۲۰۰۷) و آزمون تداعی ناآشکار بنیان های اخلاقی (IAT) استفاده شد. داده ها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان دادند که تداعی های آشکار ابعاد اخلاقی مراقبت/آسیب و اطاعت/براندازی و تداعی های ناآشکار ابعاد انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت و پاکی/گناه می توانند رفتار قلدری را با اطمینان پیش بینی کنند ($p \geq 0.0001$). این نتایج تایید کننده تعامل نقش آشکار و ناآشکار بنیان های اخلاقی در ارتباط با رفتار قلدری است و می تواند در شناخت بهتر آن و طراحی مداخلات آموزشی و درمانی روان شناختی مؤثر باشد.

واژگان کلیدی

تداعی های آشکار، تداعی های ناآشکار، بنیان های اخلاقی، قلدری.

مقدمه

قلدری به مجموعه‌ای از رفتارهای تکراری و بالقوه آسیب‌رسان به دیگران گفته می‌شود که مدت زمان تقریباً طولانی ادامه می‌یابد و به پیامدهای منفی منجر می‌گردد (پریست، کینگ، بکارس و کاواناگ، ۲۰۱۶). قلدری در مدرسه را می‌توان رایج‌ترین نوع خشونت بین فردی دانست که دانش‌آموزان در مدرسه با آن روبرو هستند (هیمل و بنانو، ۲۰۱۴). قلدری در مدرسه از رفتارهای مشکل‌ساز دوره نوجوانی است که به‌عنوان یک رفتار ضد اجتماعی بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی تعداد زیادی از دانش‌آموزان (درگیر یا شاهد) تاثیر می‌گذارد (ناگد، ۲۰۱۵). سه ویژگی اساسی در قلدری عبارت است از عمدی بودن رفتارهای پرخاشگرانه، تکرار شدن آنها و تفاوت قدرت طرفین (پرونک، آلتوف، گانسس، ۲۰۱۵). رفتار قلدری می‌تواند به صورت جسمانی (صدمه زدن، هل دادن...)، کلامی (لقب دادن، توهین کردن، تهدید کردن) و یا دیگر رفتارها همانند طرد و منزوی کردن اجتماعی ظاهر گردد (صفری، ۱۳۹۳). قلدری موضوعی است که باعث به مخاطره افتادن امنیت و سلامت روانی دانش‌آموزان می‌گردد؛ از همین‌رو توجه والدین و مدرسه را به خود جلب کرده است (هونگ، لی، ۲۰۱۴). در ادبیات پژوهشی مربوط به این رفتار، دلایل مختلف روان‌شناختی و شخصیتی ذکر شده است. برای مثال مشکلاتی مانند اضطراب، عزت نفس پایین و افسردگی از عوامل مهم قلدری شناخته شده‌اند (اندهیم و همکاران، ۲۰۱۰). در این پژوهش سعی شده تا به بررسی یکی از علل شناختی مهم یعنی اخلاق در ارتباط با رفتار قلدری پرداخته شود.

یکی از مهم‌ترین مراحل رشد اخلاقی، دوره نوجوانی است. کسب توانایی‌های شناختی تازه در نوجوانی سبب می‌گردد تا نوجوان بتواند درباره مسائل ارزشی و اخلاقی، فکر یا قضاوت کند. از یک جهت ظرفیت‌های تازه‌ای از فهم ارزش‌های اخلاقی به وجود آمده است و از جهت دیگر تجربه کافی برای برخورد با مسائل پیچیده اخلاقی را ندارد (لطف آبادی، ۱۳۸۰). ماتسوبا و واکر (۲۰۰۴) معتقدند رفتارهای اخلاقی، مطابق با تعهدات اخلاقی در حال رشد نوجوانی و جوانی است. کلبرگ (۱۹۷۶) نیز نوجوانان را در

1. Bullying

سطح دوم رشد اخلاقی قرار داده است و فقدان یا نقص ارزش‌های اخلاقی در آنها را به صورت نداشتن وظیفه‌شناسی، بی‌احترامی به مراجع قدرت، پیروی نکردن از قوانین و ارتکاب رفتارهای مخاطره‌آمیز و غیر اخلاقی نسبت به دیگران (همچون قلدری) می‌داند.

امروزه توجه ویژه‌ای به رابطه اخلاق و رفتار فرد وجود دارد. اکثر پژوهش‌ها (به ویژه در حوزه علوم اعصاب) نشان داده‌اند که اخلاق پدیده پیچیده‌ای است که از چندین عامل تشکیل شده است و مدل‌های جامعی برای توضیح پیچیدگی عملکرد اخلاقی ضروری می‌نماید (رومرا، ۲۰۱۹). به همین دلیل روان‌شناسی اخلاق در حال تجربه یک تجدید حیات است و روان‌شناسان اجتماعی، دانشمندان علوم اعصاب و علوم رفتاری اقدام به شناسایی اثر قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و مداخلات مبتنی بر آن کرده‌اند. از جمله جدیدترین نظریه‌های شناختی مطرح در حوزه روان‌شناسی اخلاقی، نظریه بنیان‌های اخلاقی (MFT) ^۲ است. هایت و گراهام (۲۰۰۷) با بیان این مدل نشان دادند که پنج بُعد مراقبت/آسیب‌آزمک به رنج‌دیده و پرهیز از رنج دادن، انصاف/رعایت عدالت و پرهیز از پیمان کردن حق دیگران، وفاداری/وفاداری به گروه و پرهیز از خیانت، فرمان‌برداری/اطاعت از بالا دست و پرهیز از بر هم زدن نظم اجتماعی و خلوص (حفظ پاک‌ی جسم و روح و پرهیز از گناه و آلودگی آنها) فرصتی برای درک بهتر رفتارهای اخلاقی فراهم می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بنیان‌های اخلاقی به رفتارها، نگرش‌ها و ارتباطات فرد جهت می‌بخشد و آنها را پیش‌بینی می‌کند (کرامر و مارتین، ۲۰۱۵). چنانچه گسکرئی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی نشان دادند که بین بنیان‌های اخلاقی و رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه منفی وجود دارد؛ یعنی هرچه قدر توجه به بنیان‌های اخلاقی افزایش پیدا کند، تمایل نوجوانان به رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

2. Moral Foundation Theory
3. Care/Harm
4. Fairness
5. Loyalty
6. Authority
7. Sanctity

جهت شناسایی دانش‌آموزان قلدر از فرم همسالان که یکاریک، پرینز، لیبرت، وینتراپ و نیلدر (۱۹۷۶) با هدف اندازه‌گیری میزان سازش‌یافتگی (پرخاشگری، کناره‌گیری و محبوبیت) از سوی همکلاسی‌ها طراحی کرده‌اند، استفاده شد. این فرم شامل ۱۴ گویه است که در این پژوهش فقط از سه گویه مربوط به خرده مقیاس پرخاشگری در قالب فرم نام‌گذاری استفاده شد. به این شکل که از دانش‌آموز خواسته می‌شد تا نام هم‌کلاسی(هایی) را بنویسند که مشخصات مورد نظر را دارند. سازندگان این فرم، ضریب آلفای کرونباخ را برای همه خرده مقیاس‌ها بالای ۰/۷۰ گزارش کرده، روایی هم‌زمان گویه‌ها از طریق همبسته‌کردن با گویه‌های گزارش معلم برای پسران قلدر ۰/۵۴ به دست آورده بودند. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسش‌نامه قلدری ایلینویز (IBS)^۸

این پرسش‌نامه را اسپلیج و هالت (۲۰۰۱) طراحی کرده‌اند و دارای ۱۸ گویه و سه خرده مقیاس قلدری، نزاع و قربانی است که در طیف مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود؛ بنابراین حداقل و حداکثر نمره کسب شده بین پایین نمرات ۱۸، حد متوسط نمرات ۴۵ و حد بالا نمرات ۹۰ خواهد بود. در پژوهش اسپلیج و هالت پایایی این پرسش‌نامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ و برای زیرمقیاس قلدری ۰/۸۷، نزاع ۰/۸۳ و قربانی ۰/۸۸ به دست آوردند. همچنین، همبستگی آن با مقیاس پرخاشگری خود گزارشی نوجوان مقدار ۰/۶۵ بود. در این پژوهش تنها از سوالات مربوط به زیرمقیاس قلدری استفاده شد که میزان آلفای کرونباخ آن هم ۰/۸۹ بود. در ایران نیز چالمه (۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۹ را برای کل آزمون و ضریب بازآزمایی ۰/۷۹ بعد از دو هفته را گزارش کرد. همچنین روایی این آزمون با استفاده از روش تحلیل عامل تاییدی و اکتشافی مورد تایید قرار گرفت. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمد.

پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی (MFQ30)

برای سنجش تداعی آشکار بنیان‌های اخلاقی از

از آنجا که بنیان‌های اخلاقی به‌عنوان موضوعی شناختی مطرح شده است، پس می‌توان آن‌را در دو حوزه آشکار و صریح، و ناآشکار و ضمنی مورد بررسی قرار داد. پژوهشگران حوزه شناختی معتقدند که ارزیابی آشکار علل رفتار با وجود مزیت‌ها و قابلیت‌هایی که دارند، اما تحت تاثیر شناخت کنترل شده فرد قرار دارند و ممکن است به سوگیری، کنترل و نتایج متناقض ختم گردند. در مقابل، ارزیابی‌های ناآشکار می‌توانند به دور از کنترل هشیار فرد و در کنار ارزیابی‌های آشکار به بررسی همه جانبه علل عاطفی و شناختی؛ و پیش‌بینی رفتار سودمند واقع شوند (بلومک و زونباخ ۲۰۰۷؛ فازیو و اولسون، ۲۰۰۳؛ گرینوالد، مک‌گی، ۱۹۹۸). تحقیقات جدید در ارتباط با قلدری نیز، تعامل بین فرآیندهای آشکار و ناآشکار اخلاقی را مهم دانسته و مورد توجه قرار داده‌اند (پوزولی و جینی، ۲۰۱۶)؛ بنابراین با توجه به آنچه بیان شد، هدف پژوهش حاضر مقایسه تداعی‌های آشکار^۱ و ناآشکار^۲ مربوط به بنیان‌های اخلاقی در دانش‌آموزان دارای رفتار قلدری است.

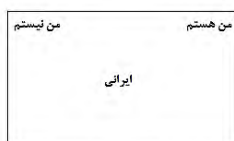
روش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی و جامعه آماری آن دانش‌آموزان پسر ۱۲ تا ۱۹ شهر تهران بود. از آنجا که در چنین پژوهش‌هایی تعداد ۱۰۰ نفر نمونه کافی است (فراهانی و عریضی، ۱۳۸۸) و با در نظر داشتن احتمال پاسخ‌های نادرست، از جامعه مورد نظر تعداد ۱۲۰ نفر انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه در دسترس بود. از بین چهار مدرسه پسرانه که حاضر به همکاری بودند، تعداد ۶۰ دانش‌آموز بدون قلدری و ۶۰ دانش‌آموز با رفتارهای قلدری انتخاب شدند. برای انتخاب این دو گروه از فرم نامگذاری قلدری همسالان استفاده شد؛ که ملاک حداقل ۳۰ درصد توافق بین همسالان مورد نظر قرار گرفت.

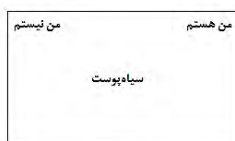
ابزارهای پژوهش

آزمون نام‌گذاری قلدری فرم همسالان (PNF)

1. Explicit associations
2. implicit associations
3. Peer Nomination Form



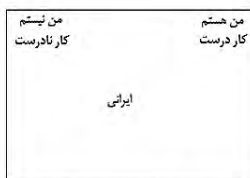
پاسخ صحیح: دکمه سمت راست یعنی L



پاسخ صحیح: دکمه سمت چپ یعنی D

سپس دسته دوم بیست واژه، با ارزش دوگانه کار درست/کار نادرست ارائه گردید. این دسته شامل چهار واژه برای هر یک از ابعاد اخلاقی بود. برای مثال برای بعد اطاعت/ براندازی، چهار واژه احترام، فرمان‌برداری (با ارزش اول کار درست) و شورش، بی‌احترامی (با ارزش دوم کار نادرست) بود.

در مرحله سوم، چهار واژه دسته اول و بیست واژه دسته دوم با یکدیگر ترکیب شده و از آزمودنی درخواست می‌شد تا هرچه سریع‌تر، بنابر الگوی ترکیبی بالای صفحه نمایش، دکمه راست یا چپ را فشار دهد.



پاسخ صحیح: دکمه سمت راست یعنی L



پاسخ صحیح: دکمه سمت چپ یعنی D

الگوی واژگان بالای صفحه در چهار حالت مختلف ارائه شد که در هر نوبت همه ۲۸ واژه، هر کدام دو بار (بدون تکرار پشت هم) ارائه شده و تا زمان فشار دادن دکمه صحیح بر صفحه نمایش باقی می‌ماند. زمان واکنش آزمودنی در هر کدام از این مراحل و برای هر پاسخ ثبت به عنوان شاخص پاسخ ناآشکار به بنیان‌های اخلاقی در نظر گرفته شد.

روش اجرا

پس از انتخاب افراد نمونه، توضیحات لازم برای آزمودنی‌ها و والدین ارائه شد و رضایت‌نامه به وسیله آنها و والدینشان برای شرکت در این پژوهش امضا گردید. ابتدا در یک جلسه افراد هر دو گروه به پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی پاسخ دادند. سپس در طی هشت جلسه دیگر، همه افراد با آزمون تداعی ناآشکار مورد بررسی قرار گرفتند. در این مدت هفت نفر از افراد گروه قلدری، آزمون تداعی ناآشکار خود را کامل نکردند و از ادامه کار انصراف دادند. به همین دلیل تعداد افراد در گروه قلدری ۵۳ نفر و تعداد کل به ۱۱۳ نفر کاهش یافت. در نهایت نتایج حاصل از

پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی MFQ30 که هایت و گراهام (۲۰۰۷) طراحی کرده‌اند، استفاده گردید. این مقیاس دارای ۳۰ گویه، و ۵ خرده مقیاس مراقبت/آسیب، انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت، اطاعت/براندازی و پاک‌گناه است. سؤال‌های ۱ تا ۱۶ به صورت مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از اصلاً مهم نیست (+) تا به شدت مهم است (۵)؛ و سؤال‌های ۱۷ تا ۳۲ با مقیاس ۶ درجه‌ای از به شدت مخالفم (۰) تا به شدت موافقم (۵) نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش هایت و گراهام (۲۰۰۷) ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های مراقبت/آسیب، انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت، اطاعت/براندازی، و پاک‌گناه به ترتیب ۰/۶۹، ۰/۶۵، ۰/۷۱، ۰/۷۴ و ۰/۸۴ به دست آمد.

در ایران قوزلو و همکاران (۱۳۹۵) آلفای کرونباخ ۰/۷۹ کلی و ۰/۷۰ تا ۰/۷۹ را برای زیرمقیاس‌های آن به دست آوردند. همچنین روایی آزمون نیز با استفاده از روش تحلیل عامل تاییدی و اکتشافی مورد تایید قرار گرفت. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

آزمون تداعی ناآشکار (ضمنی) (IAT)

برای سنجش تداعی ناآشکار بنیان‌های اخلاقی از آزمون تداعی ناآشکار استفاده شد. این ابزار یک آزمون مبتنی بر رایانه است و بر اساس آزمون تداعی ناآشکار (ضمنی) گرینولد و همکاران (۱۹۹۸) طراحی شد. این آزمون یک تکلیف طبقه‌بندی واژگان در دسته‌های مشخص است که زمان واکنش آزمودنی ثبت می‌گردد. در این آزمون چند دسته از واژگان بر صفحه رایانه نمایش داده می‌شوند. قبل از نمایش واژگان دستورالعملی داده می‌شود تا بر اساس خصوصیات دوگانه هر واژه، و متناسب با الگوی ارائه شده، آزمودنی دکمه L در سمت راست صفحه کلید، یا دکمه D در سمت چپ را فشار دهد.

دسته اول هشت واژه است که در دسته خصوصیات دوگانه «من هستم یا من نیستم» طبقه بندی می‌شود. برخی از این واژگان مانند ایرانی (با ارزش اول من هستم) یا سیاه‌پوست (با ارزش دوم من نیستم) بود. هر واژه دو بار (بدون تکرار پشت هم) ارائه شده است و تا زمان فشار دادن دکمه صحیح بر صفحه نمایش باقی می‌ماند.

1. Implicit Association Test

تداعی آشکار (آزمون‌های کتبی) و تداعی ناآشکار افراد دو گروه به وسیله نرم‌افزار SPSS-24 مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

در ابتدا نمرات قلدری دو گروه پژوهش، بر اساس پرسش‌نامه ایلی‌نویز بررسی شد که نتایج آن در جدول ۱ آمده است.

همان‌طور که از جدول شماره ۱ مشخص است، نمرات قلدری در دو گروه دارای تفاوت معناداری است که نشان می‌دهد جایگزینی افراد در دو گروه به درستی انجام شده است.

در ادامه، نمرات حاصل از آزمون تداعی آشکار بنیان‌های اخلاقی (بر اساس آزمون بنیان‌های اخلاقی) دو گروه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج در جدول ۲ مشخص شده است.

همان‌گونه که از جدول مشخص است، در بنیان‌های اخلاقی، گروه قلدری در مراقبت/آسیب و اطاعت/براندازی نمرات کمتری نسبت به گروه بدون قلدری داشته‌اند. همچنین تفاوت نمرات در ابعاد اخلاقی مراقبت/آسیب و اطاعت/براندازی بین دو گروه معنادار است و در سایر متغیرها تفاوت معناداری دیده نمی‌شود.

در مرحله بعد، نمرات حاصل از آزمون تداعی ناآشکار (IAT) مربوط به بنیان‌های اخلاقی دو گروه مورد بررسی قرار گرفت که نتایج در جدول ۳ مشخص شده است (این نمرات نشان‌دهنده زمان واکنش هستند).

نمرات این جدول حاصل از اندازه‌گیری زمان واکنش در آزمون تداعی ناآشکار است و نمرات کمتر (زمان واکنش کوتاه‌تر) نشان‌دهنده گرایش ناآشکار بالاتر فرد در آن زمینه است. بر این اساس جهت تفاوت ظاهری نمرات در متغیرهای پژوهش شبیه به الگوی تداعی‌های آشکار است، اما نمرات متغیر وفاداری/خیانت در تداعی ناآشکار گروه قلدری بالاتر از گروه بدون قلدری است. همچنین بر خلاف تداعی‌های آشکار، تفاوت تداعی‌های ناآشکار دو گروه در تمام متغیرها معنادار است. در ادامه به بررسی رابطه متغیرهای پژوهش با نمرات کلی قلدری (در هر دو گروه)

پرداخته و از روش همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۴ نتایج همبستگی را نشان می‌دهد.

با توجه به نتایج جدول فوق مشخص می‌گردد که در تداعی آشکار تنها بین ابعاد مراقبت/آسیب و اطاعت/براندازی با قلدری رابطه معناداری منفی وجود دارد. اما در تداعی ناآشکار مشخص است که تمامی متغیرها دارای رابطه معناداری با قلدری هستند. همچنین بُعد اخلاقی وفاداری/خیانت، دارای رابطه مثبت و سایر ابعاد اخلاقی دارای رابطه منفی با قلدری هستند (توجه کنید که در تداعی ناآشکار، نمرات کمتر نشان از گرایش بیشتر است).

در ادامه جهت به پیش‌بینی قلدری به وسیله نمرات حاصل از تداعی آشکار و ناآشکار پرداخته و به این منظور از روش تحلیل رگرسیون استفاده شده است. در ادامه، نتایج این تحلیل برای هر متغیر به تفکیک در جدول ۵ آمده است.

با توجه به نتایج جدول فوق، مقدار ضریب تعیین (R^2) این مدل‌ها بین ۰/۱۳ تا ۰/۵۶ است و نشان می‌دهد که این مدل‌ها حدود ۱۳ تا ۵۶ درصد از تغییرات قلدری را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین با توجه به معناداری مقدار آزمون برای همه این مدل‌ها در سطح حداقل ۰/۰۵ می‌توان نتیجه گرفت که این مدل‌های رگرسیونی قادر هستند تا تغییرات متغیر ملاک قلدری را به شکل مناسبی پیش‌بینی کند.

بر اساس مندرجات جدول ۵ مشخص است که متغیر تداعی آشکار مراقبت/آسیب و اطاعت/براندازی به شکل معنادار قلدری را پیش‌بینی می‌کنند. بر اساس مقدار ضریب تعیین بتا نیز می‌توان ادعا کرد که به ازای افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیرهای تداعی آشکار، مراقبت/آسیب، و اطاعت/براندازی، متغیر قلدری به ترتیب به اندازه ۰/۶۲ انحراف استاندارد (کاهش) و ۰/۷۱ انحراف استاندارد (کاهش) خواهد یافت.

همچنین مشخص است که متغیر تداعی ناآشکار انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت، و پاکی/گناه به شکل معنادار قلدری را پیش‌بینی می‌کنند. بر اساس مقدار ضریب تعیین بتا نیز می‌توان ادعا کرد که به ازای افزایش یک واحد انحراف استاندارد در متغیرهای تداعی ناآشکار انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت، و پاکی/گناه، متغیر قلدری به ترتیب به اندازه ۰/۵۱ انحراف استاندارد (کاهش)، ۰/۳۰ انحراف

نتیجه‌گیری و بحث

هدف مطالعه حاضر مقایسه تداعی‌های ناآشکار و آشکار مربوط به بنیان‌های اخلاقی در نوجوانان دارای رفتار قلدری بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که در تداعی آشکار تنها بین ابعاد مراقبت/آسیب، و اطاعت/براندازی با قلدری رابطه معناداری منفی وجود دارد. اما در تداعی ناآشکار بین قلدری و تمامی متغیرها رابطه معنادار برقرار است؛ به شکلی که بُعد اخلاقی وفاداری/خیانت، دارای رابطه مثبت و سایر ابعاد اخلاقی دارای رابطه منفی با قلدری هستند. همچنین متغیر تداعی آشکار مراقبت/آسیب و اطاعت/براندازی به شکل معنادار قلدری را پیش‌بینی می‌کنند. اما متغیر تداعی ناآشکار انصاف/تقلب، وفاداری/خیانت، و پاکی/گناه به شکل معنادار قلدری را پیش‌بینی می‌کنند.

استاندارد (افزایش) و ۰/۷۵ انحراف استاندارد (کاهش) خواهد یافت. نتیجه کلی آنکه بهترین متغیر پیش‌بین آشکار، اطاعت/براندازی و پایین‌ترین متغیر پیش‌بین آشکار، مراقبت/آسیب است. همچنین بهترین متغیر پیش‌بین ناآشکار، پاکی/گناه و پایین‌ترین متغیر پیش‌بین ناآشکار، وفاداری/خیانت است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره قلدری آزمودنی‌ها و نتایج آزمون تی در دو گروه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای میانگین استاندارد	df	t	سطح معناداری
با قلدری	۵۳	۲۵/۸۰	۳/۷۴۳	۰/۵۹۱	۱۱۱	۱۲/۸۶۲	۰/۰۰۰
بدون قلدری	۶۰	۱۴/۲۰	۴/۳۰۳	۰/۶۸۰			

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار و معناداری تفاوت نمرات تداعی آشکار بنیان‌های اخلاقی دو گروه

متغیر	دارای قلدری		بدون قلدری		معناداری تفاوت نمرات تداعی آشکار دو گروه با و بدون قلدری	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
مراقبت/آسیب	۲/۰۷۱	۰/۵۶۱	۴/۱۱۶	۰/۵۹۷	۱۵/۷۸۶	۰/۰۰۰
انصاف/تقلب	۲/۵۵۷	۰/۵۸۳	۲/۷۰۸	۰/۴۲۶	۱/۳۱۹	۰/۱۹۱
وفاداری/خیانت	۴/۱۵۵	۰/۷۷۹	۴/۳۲۰	۰/۶۷۰	۱/۰۱۵	۰/۳۱۳
اطاعت/براندازی	۲/۱۷۶	۰/۴۹۰	۴/۳۲۹	۰/۶۰۲	۱۷/۵۱۴	۰/۰۰۰
پاکی/گناه	۴/۴۷۲	۰/۸۹۳	۴/۷۸۷	۰/۵۹۸	۱/۸۵۳	۰/۰۶۸

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار و معناداری تفاوت نمرات تداعی ناآشکار بنیان‌های اخلاقی دو گروه

متغیر	دارای قلدری		بدون قلدری		معناداری تفاوت نمرات تداعی ناآشکار گروه	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
مراقبت/آسیب	۷۱۸/۸۵۰	۱۴۴/۰۹۳	۴۲۹/۸۵۰	۸۵/۳۴۶	۱۰,۹۱۴	۰/۰۰۰
انصاف/تقلب	۷۰۸/۰۷۵	۱۳۳/۵۷۵	۵۴۱/۴۰	۸۸/۶۷۵	۷,۳۶۴	۰/۰۰۰
وفاداری/خیانت	۴۵۳/۱۷۵	۶۱/۱۵۰	۵۹۴/۹۲۵	۱۲۲/۰۹۹	۶,۵۶۵	۰/۰۰۰
اطاعت/براندازی	۷۳۸/۵۲۵	۱۱۶/۵۷۰	۵۰۰/۲۰۰	۶۴/۰۰۸	۱۱,۳۳۴	۰/۰۰۰
پاکی/گناه	۷۶۳/۳۰۰	۱۰۵/۸۶۳	۴۷۶/۶۰۰	۹۱/۵۵	۱۲,۹۵۵	۰/۰۰۰

جدول ۴. همبستگی نمرات بنیان‌های اخلاقی با نمرات قلدری

همبستگی نمرات تداعی آشکار با نمرات قلدری		همبستگی نمرات تداعی ناآشکار با نمرات قلدری	
متغیر	همبستگی	متغیر	همبستگی
مراقبت/آسیب	-۰/۷۳۶	مراقبت/آسیب	۰/۵۸۶
انصاف/تقلب	-۰/۱۴۲	انصاف/تقلب	۰/۵۱۷
وفاداری/خیانت	-۰/۱۹۱	وفاداری/خیانت	-۰/۳۰۹
اطاعت/براندازی	-۰/۷۳۴	اطاعت/براندازی	۰/۵۲۹
پاکی/گناه	-۰/۱۰۴	پاکی/گناه	۰/۷۵۳

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی قلدری توسط نمرات تداعی آشکار و ناآشکار بنیان‌های اخلاقی

متغیر پیش‌بین	R ²	F	B	خطای استاندارد	β	t	سطح معناداری
مراقبت/آسیب	۰/۵۵۸	—	۴۸/۷۰۰	-۳/۷۳۱	۰/۶۱۰	-۰/۶۲۱	-۶/۱۱۸
			—	—	—	—	—
تداعی آشکار		(۰/۰۰۰)	۰/۰۰۷	۰/۰۰۴	۰/۱۷۲	۱/۶۹۷	۰/۰۹۴
انصاف/تقلب	۰/۲۸۴	—	۱۵/۳۰۵	-۱/۷۸۹	۱/۳۲۹	-۰/۱۳۰	-۱/۳۴۶
			—	—	—	—	—
تداعی ناآشکار		(۰/۰۰۰)	۰/۰۲۵	۰/۰۰۵	۰/۵۱۴	۵/۳۳۴	۰/۰۰۰
وفاداری/خیانت	۰/۱۳۰	—	۵/۷۴۶	-۱/۸۰۶	۱/۰۳۵	-۰/۱۸۶	-۱/۷۴۶
			—	—	—	—	—
تداعی آشکار		(۰/۰۰۵)	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	-۲/۸۷۳	۰/۰۰۵
اطاعت/براندازی	۰/۵۴۰	—	۴۵/۱۱۲	-۴/۱۶۵	۰/۶۳۲	-۰/۷۱۴	-۶/۵۹۳
			—	—	—	—	—
تداعی ناآشکار		(۰/۰۰۰)	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۳۰	۰/۲۷۳	۰/۷۸۶
پاکی/گناه	۰/۵۶۸	—	۵۰/۵۵۳	-۰/۱۵۰	۰/۶۹۶	-۰/۰۱۶	-۰/۲۱۵
			—	—	—	—	—
تداعی آشکار		(۰/۰۰۰)	۰/۰۳۱	۰/۰۰۳	۰/۷۵۶	۹/۹۵۹	۰/۰۰۰
تداعی ناآشکار		(۰/۰۰۰)	—	—	—	—	—

تا حدودی خود محور و نسبت به شرکت در مسائل دیگران بی‌علاقه هستند. آنها همچنین در مقایسه با همسالان خود که قلدری نمی‌کنند، همدلی عاطفی بسیار پایین‌تری دارند (جولیف و فارینگتون، ۲۰۱۱). همچنین این نتایج را می‌توان بر اساس مؤلفه همدلی نیز تبیین کرد. پژوهش‌ها نشان دادند همدلی و دیدگاه اخلاقی، پتانسیلی برای رفتارهای پرخاشگرانه و قلدری و همچنین تعامل اجتماعی مثبت نقش دارند (پوزولی و جینی، ۲۰۱۶). در همین راستا نجفی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که متغیر مراقبت (احساس همدلی و همدردی با دیگران) از مؤلفه‌های تحول مثبت نوجوانی است با رفتار قلدری رابطه منفی و معنادار دارد.

همچنین نتایج مشخص کرد که بعد اطاعت/براندازی آشکار و ناآشکار با قلدری رابطه منفی و معنادار دارد و برخلاف متغیر تداعی ناآشکار آن می‌تواند قلدری را در سطح معناداری پیش‌بینی کند. این بعد بر مؤلفه‌های رفتاری مانند رعایت نظم، احترام به قوانین و انجام وظیفه در ارتباط است. پژوهش‌ها نشان دادند که بی‌انضباطی در مدرسه (رعایت نکردن نظم و احترام به قوانین در مدرسه) هم می‌تواند رفتارهای قلدری را در دانش‌آموزان پیش‌بینی کند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸).

این نتایج همسو با پژوهش گسکرئی و همکاران (۱۳۹۵) است که به بررسی رابطه بنیان‌های اخلاقی با رفتارهای پرخطر در دختران نوجوان پرداختند و نشان دادند که بین بنیان‌های اخلاقی و رفتارهای پرخطر نوجوانان رابطه منفی وجود دارد یعنی هر چه قدر به بنیان‌های اخلاقی در افراد توجه بیشتری گردد، گرایش آنها به رفتارهای پرخطر کمتر می‌شود. در ادامه به تبیین نتایج مربوط هر کدام از ابعاد بنیان‌های اخلاقی به تفکیک می‌پردازیم.

در ارتباط با بنیان اخلاقی مراقبت/آسیب نتایج نشان داد که تفاوت نمرات این مورد در هر دو آزمون تداعی‌های آشکار و ناآشکار بین دو گروه با و بدون قلدری معنادار شده است. این امر نشان دهنده گرایش ناآشکار و آشکار پایین و در نتیجه کم اهمیت بودن این بعد اخلاقی در افراد دارای رفتار قلدری است. بنیان مراقبت/آسیب بر اهمیت دادن به رنج دیگران، کمک کردن به آنها به هنگام نیاز، خیرخواهی، همدلی و مراقبت دلالت دارد و پرخاشگری و خشونت، گرایش‌های رفتاری مرتبط با این بعد است (گراهام و همکاران، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش‌های رفتاری بر روی قلدری نیز تایید می‌کند که افراد قلدر معمولاً در تعاملات بین فردی و اجتماعی به نیازها و عواطف دیگران توجهی ندارند و فقط خواسته‌ها و نیازهای خودشان را در نظر می‌گیرند (مودین، لافتمن و آسبرگ، ۲۰۱۷). این افراد

کرامر و مارتین (۲۰۱۵) در پژوهشی به مقایسهٔ پرخاشگری و صفات انطباقی با بنیان‌های اخلاقی پرداختند و اظهار کردند که صفات اخلاقی به رفتارها، نگرش‌ها و ارتباطات فردی جهت می‌بخشد، و ابعاد فردگرایانه (آسیب/مراقبت و اطاعت/براندازی) با پرخاشگری کلامی ارتباط منفی و معنادار دارد.

در ارتباط با بنیان انصاف/تقلب نتایج نشان داد که گرایش نآشکار به این بعد آن در گروه قلدری بیشتر از گروه بدون قلدر است. مفهوم محوری بنیان انصاف، عدالت است و جنوف، بالمن و کارنز (۲۰۱۳) این مفهوم را با عنوان عدالت میان فردی بر اساس لیاقت فرد و عدالت اجتماعی بر اساس توزیع برابر منابع در سطح گروه تعریف و شرایط تحقق آن را سرکوب امیال خودخواهانه افراد به داشتن منابعی بیشتر از دیگران ذکر کردند. افراد قلدر با توجه به جایگاه برتری که برای خود نسبت به دیگران قائل هستند، خود را برای دسترسی به حقوق و منابع نسبت به دیگران شایسته‌تر می‌دانند و اعتقادی به توزیع برابر منابع و رعایت حقوق دیگران ندارند. هاردن (۲۰۱۲) معتقد است قلدرها از خشونت به نحو مؤثری استفاده می‌کنند تا به منابع بیشتری دسترسی داشته باشند و به دنبال آن محبوبیت بیشتری برای خود کسب کنند. والاچر و سولدگی (۱۹۷۹) اظهار کردند که تمایل افراد به عدالت و رفتار منصفانه به این موضوع بستگی دارد که آیا آنها به امکانات شناختی لازم و کافی برای خودآگاهی شناختی دست پیدا کرده‌اند یا خیر. در ارتباط با تداعی‌های آشکار در این بعد نیز لازم به یادآوری است که افراد به دلایل مختلف مانند پذیرش عمومی، تایید مراجع قدرت، و تایید دیگران وانمود به عدالت خواهی می‌کنند. در واقع افراد تمایل دارند که احساس مثبتی در مورد خودشان داشته باشند و بیشتر اوقات سعی می‌کنند تا خود را مطلوب نمایش دهند (بارون، ۲۰۰۶). در واقع این اثر خود اصلاح‌گری است که در تداعی‌های آشکار (به علت پردازش آگاهانه) کنترل شده است (فازبو و اولسون، ۲۰۰۳).

در این مطالعه نمرات وفاداری/خیانت در آزمون تداعی‌های نآشکار دو گروه تفاوت معناداری داشت؛ اما برخلاف سایر ابعاد بنیان‌های اخلاقی دارای رابطهٔ مثبت بود. مفهوم محوری این بعد وفاداری افراد به گروه، فدا

کردن خود برای آنان، بقا و پیشرفت گروه در رقابت با سایر گروه‌ها است (نجات و همکاران، ۱۳۹۴). همان‌طور که اشاره شد این بعد اخلاقی در بافت جمعی مطرح می‌شود، و اثرات آن نسبت به گروه خودی و اعضای آن مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان چنین استدلال کرد که بالا بودن گرایش وفاداری نآشکار، نشان دهندهٔ اهمیت گروه خودی نزد افراد قلدر است. این افراد غالباً به صورت گروه کوچکی متشکل از چند دوست و به قصد حمایت از یکدیگر جمع می‌شوند و با آسیب به دیگران بقای گروه خود را تضمین می‌کنند و موجب افزایش انسجام گروه خودی می‌گردد (کارینز و همکاران، ۱۹۸۸). طبق نظریهٔ هویت اجتماعی (تاجفل و ترنر، ۱۹۷۹) افراد بر اساس وابستگی گروهی و طبقاتی خود را معرفی می‌کنند و بر این اساس بین «درون گروه» و «برون گروه» تفاوت قائل می‌شوند و به شیوه‌هایی رفتار می‌کنند که به نفع گروه خودشان است. ساندستروم، ماکور و بارتینی (۲۰۱۳) نیز بر اساس این نظریه بیان می‌کنند که بعضی قلدرها برای حفظ جایگاه خود در گروه همسالان این رفتارها را انجام می‌دهند. آنها نسبت به گروه خودی و آرمان‌های آن بسیار وفادار هستند، اما در دفاع از خود (ایگو) در تداعی‌های آشکار این ارتباط کنترل می‌گردد.

درخصوص بعد پاکی/ گناه، تفاوت نمرات تداعی نآشکار بر خلاف تفاوت نمرات تداعی آشکار آن در دو گروه در سطح معناداری قرار داشت. نتایج به دست آمده نشان دهندهٔ گرایش نآشکار بسیار پایین افراد دارای رفتار قلدری به بنیان پاکی نسبت به گروه بدون قلدری است. این بُعد نمایندهٔ نگرانی از آلودگی روحی و حتی فیزیکی است و مواردی چون مقاومت در برابر وسوسه‌ها، و حفظ عفت در روابط جنسی و رعایت پاکیزگی را در بر می‌گیرد (نجات و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند یکی از متغیرهای مهم وابسته به قلدری، پایبندی به رفتارهای سلامتی و پاکی است (امورا، مگیور و همکاران، ۲۰۱۶). در واقع رفتارهایی مانند دوری از رفتارهای مخرب، محافظت در برابر حوادث، تشخیص به موقع خطرات، کنترل عواطف و احساسات و افکار، کنار آمدن با استرس و مشکلات روانی به عنوان عوامل حفاظت‌کننده در برابر قلدری برشمرده شده است (اندرز، ۲۰۰۱). در این دیدگاه قلدری نه تنها یک مشکل رفتار

جنوف، بالمن و کارنز (۲۰۱۳) چارچوبی را به نام مدل انگیزه‌های اخلاقی شامل دو بعد جهت‌گیری و بافت هدف را برای توصیف حوزه اخلاق پیشنهاد داده‌اند. در این نظریه منظور از بافت هدف، زمینه‌ای است که یک انگیزه اخلاقی مشخص معطوف به آن است و نزدیک‌ترین تاثیر را بر آن می‌گذارد و شامل سه طبقه است. ۱) اخلاق فردی: به چگونگی نگرش و برخورد افراد نسبت به بدن و روان خود، یا سرکوب و مجال دادن به خواسته‌های خودشان اختصاص دارد. ۲) اخلاق میان فردی: فرد مورد هدف، هویت شخصی و متمایزی دارد؛ از این رو دیگری خوانده می‌شود. ۳) اخلاق گروه محور: اخلاق یا غیر اخلاقی بودن یک عمل، بر اساس تاثیری است که بر گروه خودی یا اعضای آن می‌گذارد. گراهام (۲۰۱۳) پیشنهاد می‌کند که بنیان پاکی در بافت فردی، و سایر ابعاد به غیر از وفاداری، در بافت میان فردی، و همچنین همه ابعاد در بافت جمعی (گروهی) قرار دارند.

در تایید کلی نتایج این پژوهش می‌توان به پژوهش پوزولی و همکاران (۲۰۱۶) اشاره کرد که به بررسی نقش شناخت اخلاقی آشکار و ناآشکار در رفتارهای قلدری در نوجوانان پرداختند، و نشان دادند که ابعاد اخلاقی آشکار و ناآشکار در تعامل با یکدیگر نقشی برجسته در پیش‌بینی رفتارهای قلدری دارند. از محدودیت‌های اجرایی این پژوهش می‌توان اجرای این مطالعه تنها بر روی دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه در شهر تهران اشاره کرد که سبب می‌گردد تا تعمیم نتایج حاصل به سایر گروه‌های سنی، دختران و سایر مناطق فرهنگی با محدودیت رو به رو شود؛ از این رو پیشنهاد می‌گردد تا مشابه این کار بر روی سایر گروه‌ها و در مناطق دیگر نیز اجرا شود.

اجتماعی است، بلکه عواقب ناشی از آن می‌تواند به شکل‌های مختلفی سلامت روحی و روانی افراد را نیز به مخاطره بیندازد (هوبر و همکاران، ۲۰۰۶). این مطالعات نتایج پژوهش حاضر را در ارتباط با کمبود گرایش ناآشکار پاکی/گناه در گروه قلدری تأیید می‌کند. بر همین مبنا هنگام ارتکاب رفتار قلدری، قربانی مقصر دانسته می‌شود و شرمساری و احساس گناه، یا همدردی دیده نمی‌شود (من و آلابو، ۲۰۱۵).

نتایج پژوهش نشان دادند که تداعی‌های ناآشکار با تمام ابعاد ارتباط دارد اما تداعی‌های آشکار تنها با دو بعد ارتباط دارد. به عبارتی تداعی‌های ناآشکار با ابعاد بیشتری رفتار قلدری را پیش‌بینی می‌کند و قدرت بیشتری نسبت به تداعی‌های آشکار دارند. در این رابطه می‌توان چنین تبیین کرد که ارزیابی‌های خود گزارشی بر خلاف تکالیف ناآشکار، تحت تاثیر شناخت کنترل شده فرد قرار دارند (دی هوور، ۲۰۰۶). یعنی در سنجش و بررسی عوامل ناهشیار رفتار توان کمتری دارند. از طرفی معمولاً اشخاص سعی دارند که خود را به بهترین شکل نشان دهند و خطاها و ضعف‌های خود را بپوشانند. به همین دلیل هنگام پاسخ به سؤالات آشکار مرتبط با نگرش‌ها و رفتارهای شخصی، دچار سوگیری خودتاییدی می‌شود و خود را بهتر از آن چیزی که هستند، نمایش می‌دهند (وهر، کوک، ۱۹۷۲). در حوزه‌های تحقیقات حساس اجتماعی (مانند نگرش‌های مرتبط با خشونت یا تعصب)، افراد سعی می‌کنند برداشت دیگران نسبت به خود را مدیریت کنند (اسنودن، کرگ، گری، ۲۰۱۱) و در نتیجه نمرات تداعی آشکار در این پژوهش نیز شاهد معنادار نبودن آنها در ارتباط با رفتارهای قلدری بودیم.

منابع

- بیرامی، منصور؛ علائی، پروانه؛ حسنونند، باقر (۱۳۹۸). روان‌شناسی قلدری. انتشارات: آوای نور (چاپ اول).
چالمه، رضا (۱۳۹۲). کفایت روان‌سنجی مقیاس قلدری ایلینوئیز در دانش‌آموزان ایرانی: بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی. مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱۱، ۵۲-۳۹.
حسنى، امید؛ شهبازیان خونیک، آرش؛ محمودی، احمد (۱۳۹۸). رابطه ویژگی‌های شخصیتی و بی‌انضباطی با قلدری
- دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه. راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، (۴)، ۱، ۳۷-۴۸.
صفری، خدیجه (۱۳۹۳). تأثیر به‌کارگیری آموزش مهارت‌های زندگی توسط معلمان بر کنترل رفتار زورگوئی دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم مدارس ابتدایی شهرستان میناب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد تهران.
کاشف گسکرئی، آذر؛ مشایخ، مریم؛ حکمی، محمد (۱۳۹۵). رابطه بنیان‌های اخلاقی و خود تنظیمی هیجانی با

- نجات، پگاه. باقریان، فاطمه. حاتمی، جواد. شکری، امید (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های شناختی - اجتماعی بازنمایی ذهنی و دغدغه‌های اخلاقی: گروه‌بندی، جهت‌گیری انگیزشی و بافت ارتباطی بنیادهای اخلاقی. *فصلنامه علمی پژوهشی شناخت اجتماعی*، ۴ (۱)، ۱۲۶-۱۰۹.
- نجفی، محمود؛ بابائی، جلال؛ رضایی، علی محمد (۱۳۹۶). پیش‌بینی قلدری بر اساس مولفه‌های تحول مثبت نوجوانی و رضایت از زندگی. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت*، (۳) ۱۱، ۴۶-۳۳.
- Andrews, G. A. (2001). Promoting health and functioning in an aging population. *British Medical Journal (Clinical Research Edition)*, 3 (22): 728-729.
- Bluemke, M., & Zumbach, J. (2007). *Implicit and explicit measures for analyzing the aggression of computer gamers*. In G. Steffgen & M. Gollwitzer (Eds.), *Emotions and aggressive behavior* (p. 38-57). Hogrefe & Huber Publishers.
- Cairns, R.B., Cairns, B. D., Neckerman, H. J., Gest, S. D., & Garipey, J. L. (1988). Social networks and aggressive behaviour: Peel support or peer rejection? *Developmental Psychology*, 24: 815-823.
- Cranmer, G. A., Martin, M. M. (2015). An examination of aggression and adaption with moral foundations. *Communication Research Reports*, 360-366.
- Currie, C., Zanotti, C., Morgan, A., Currie, D., de Looze, M., Roberts, C., Samdal, O., Smith, O., Barnekow, V. (2012). Social determinants of health and well-being among young people. Health Behavior in School-aged Children (HBSC) study: International report from the 2009/2010 survey. World Health Organization, Copenhagen.
- De Houwer, J. (2006). *What Are Implicit Measures and Why Are We Using Them?* In R. W. Wiers & A. W. Stacy (Eds.), *Handbook of implicit cognition and addiction* (p. 11-28). Sage Publications, Inc.
- Disquisepe, R. C. (2003). Aggression in Adolescents. *Journal of clinical Psychology*, 10: 254-260.
- Fazio, R. H., & Olson, M. A. (2003). Implicit measures in social cognition research: Their meaning and use. *Annual Review of Psychology*, 54: 327-297.
- رفتارهای پرخطر در دختران نوجوان اول دبیرستان. *نشریه علمی، پژوهشی و فناوری البرز*، (۵) ۲، ۸-۱.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۰). روان‌شناسی رشد اخلاقی، ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی. *مجله روان‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)* (۲۹) ۷.
- محبی، مینا؛ میرنسب، میر محمود؛ فتحی آذر، اسکندر؛ هاشمی، تورج (۱۳۹۷). مطالعه مقایسه‌ای رفتار قلدری، پیوند با مدرسه و شایستگی اجتماعی در دانش‌آموزان قلدر و طرفداران قلدری. *فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*، (۵) ۴، ۸۲-۷۱.
- Garcia, A. I. S., and Margallo, E. M. (2014). Bullying: what's going on? A bibliographic review of last twelve months. *Social and Behavior Sciences*, 132: 269-276
- Graham, J., Haidt, J., Koleva, S., Motyl, M., Iyer, R., Wojcik, S., Ditto, P. H. (2013). Moral foundation theory: The pragmatic validity of moral pluralism. *Advances in Experimental Social Psychology*, 47: 55-130.
- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H. (2011). Mapping the moral domain. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101: 366-385.
- Greenwald, A. G., McGhee, D. E., & Schwartz, J. K. L. (1998). Measuring individual differences in implicit cognition: The Implicit Association Test. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74: 1464-1480.
- Haidt, J., & Graham, J. (2007). When Morality Opposes Justice: Conservatives Have Moral Intuitions that *Liberals may not Recognize*. *Social Justice Research*, 20 (1) : 98-116.
- Harden, K. P., Quinn, P. D., & Tucker-Drob, E. M. (2012). Genetically influenced change in sensation seeking drives the rise of delinquent behavior during adolescence. *Developmental Science*, 15: 150-163.
- Hong, J. S., Lee, C. H., Lee, N. Y., & Garbarino, J. (2014). A review of bullying prevention and intervention in South Korean school: An application of the sociological framework. *Child Psychiatry & human Development*, 45 (4) : 433-442.
- Houbre, B, Tarquinio C, Thuilier I, Hergott E. (2006). Bullying among students and its

- consequences on health. *European Journal of Education*, 21 (2) : 183-208.
- Hymel, S., Bonanno, R. A. (2014). Moral Disengagement Processes in Bullying. *Theory in to practice*. 53 (4) : 278-285.
- Janoff-Bulman, R., Carnes, N. C. (2013) Surveying the moral landscape: Moral motives and group-based moralities. *Personality and Social Psychology Review*.17:219-36.
- Jolliffe, D., Farrington, D. P. (2011). Is low empathy related to bullying after controlling for individual and social background variables? *Journal of Adolescent*; 34:59-71.
- Kohlberg, L. (1976). Moral and Moralization: The Cognitive Developmental Approach, in T. Lickona (ed). *Moral Development and Behavior: Theory, Research, and Social Issues*. New York, Holt: Rinehart & Winston.
- Matsuba, M. K., Walker, L. J. (2004). Extraordinary Moral Commitment: Young Adults Involved in Social Organization. *Journal of personality*, 72, 2.
- Modin, B., Låftman, S. B. & Östberg, V. (2017). Teacher rated school ethos and student reported bullying-A multilevel study of upper secondary schools in stockholm, Sweden. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 14, 15-65.
- Nagged, V. (2015). Successful coping strategies for Bullied students. A cross sectional study of suburban and urban students in grades 6 through 8. Cleveland, USA: Cleveland state university.
- Nishina, A. (2004). A theoretical review of bullying: Can it be eliminated? *Bullying*, 35-62.
- Olweus, D. (1993). *Bullying at school: What we know and what we can do.* Oxford: Blackwell.
- Omura, M., Maguire, J., Levett-Jones, T., Stone, T. E. (2016). Effectiveness of assertive communication training programs for health professionals and students: a systematic review protocol. *JBI database of systematic reviews and implementation reports*, 14 (10) : 64-71.
- Pozzoli, T. Gini, G. (2016). Bullying and defending behavior: The role of explicit and implicit moral cognition. *Journal of School Psychology* 59:67-81.
- Priest, N., King, T., Bécaries, L., & Kavanagh, A. M. (2016). Bullying Victimization and Racial Discrimination among Australian Children. *American Journal of Public Health*, 106 (10) , 1882-1884. doi: 10.2105/AJPH.2016.303328
- Priest, N., King, T., Bécaries, L., & Kavanagh, A. M. (2016). Bullying Victimization and Racial Discrimination among Australian Children. *American Journal of Public Health*, 106 (10) , 1882-1884. doi:10.2105-AJPH.2016.303328
- Pronk, J. Olthof, T. and Goossens, F.A. (2015). Differential personality correlates of early adolescents bullying related outsider and defender behavior. *Journal of Early Adolescence*, 35 (8) : 1069-91.
- Romera, E. M., Casas, J. A., Gómez Ortiz, O., Ortega_ Ruiz, R. (2019). Moral domain as risk and protective factor against bullying. An integrating perspective review. *Aggression and violent behavior*, 45, 75-82.
- Rosen, L.D. (2007). *Me, MySpace, and I: Parenting the Net Generation*, London: Palgrave Macmillan.
- Samara, M., Burbidge, V., Asam, A., Foody, M., Smith .P.K. Morsi.H. (2017). Bullying and Cyberbullying: Their Legal Status and Use in Psychological Assessment. *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 14 (1449) .2-17. doi: 10.3390/ijerph14121449.
- Sandstrom, M., Makover, H., & Bartini, M. (2013). Social context of bullying: Do misperceptions of group norms influence children's responses to witnessed episodes? *Social Influence*, 8 (2-3) , 196-215.
- Seal, N. (2006). Preventing tobacco and drug use among Thai high school students through life skills training. *Nurs Health Sci*, 8 (3), 164- 8.
- Ševčíková, A., & Šmahel, D. (2009). Online harassment and cyberbullying in the Czech Republic: Comparison across age groups. *Journal of Psychology*, 217, 227-229.
- Shek, D.T.L., Sun, R.C.F., & Yu, L. (2013). Internet addiction. In DW Pfaff (Ed.) , *Neuroscience in the 21st century: from basic to clinical*, New York: Springer.
- Slonje, R., & Smith, P.K. (2008). Cyberbullying: Another main type of bullying? *Scandinavian Journal of Psychology*, 49 (2) , 147-154.
- Snowden, R. J., Craig, R. L., Gary, N. S. (2011). Indirect Behavioral measures of

- cognition among sexual offenders. *Journal of sex Research*, 48 (2-3) , 192_217.
- Stockdale, L. A., Coyne, S. M., Nelson, D.A. and Erickson, D. H. (2015). Borderline personality disorder features, jealousy, and cyberbullying in adolescence. *Personality and Individual Differences*, 83: 148-153.
- Tajfel, H. & John, T. (1979). An Integrative Theory of Intergroup Conflict: *The Social Psychology of Intergroup Relations*, Monterey, CA: Brooks/Cole. Pp 33-44.
- Weber, S. J., & Cook, T. D. (1972). Subject effects in laboratory research: An examination of subject roles, demand characteristics, and valid inference. *Psychological Bulletin*, 77 (4) , 273-295.
- Young, K. S. & Abreu, C. N. (2011). Internet addiction: A handbook and guide to evaluation and treatment. Hoboken, NJ: John Wiley & Sons, Inc.

